

## بررسی تطبیقی تعامل دادستان و پلیس در ایجاد توازن میان حقوق متهم و امنیت اجتماعی در حقوق ایران و آمریکا

حسنعلی مؤذن‌زادگان<sup>۱</sup>، حسین غلامی<sup>۲</sup>، سیروس ضرغامی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۳  
تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۳

از صفحه ۱۳۱ تا ۱۵۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم،  
شماره دوم (پیاپی چهل و دوم)، زمستان ۱۳۹۷

### چکیده

**مقدمه:** حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق متهم از مهم‌ترین کارکردهای نظام عدالت کیفری در هر کشوری است. در این راستا کلیه مقامات و کارکنان نظام عدالت کیفری از جمله دادستان و پلیس موظف به پایبندی به این دو امر هستند. مقاله حاضر تأثیر چگونگی تعامل دادستان و پلیس را بر حفظ حقوق متهم و امنیت اجتماعی به صورت تطبیقی در دو کشور ایران و آمریکا مورد بررسی قرار داده است.

**روش:** برای بررسی موضوع از روش اسنادی استفاده شده است. مطالب از طریق بررسی کتب فارسی و انگلیسی مربوط به آیین دادرسی کیفری ایران و آمریکا و قوانین مربوط به نقش و جایگاه دادستان و پلیس در ایران و آمریکا از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ایران و مجموعه قوانین فدرال آمریکا همچنین بررسی آرای قضایی مرتبط با بحث که در کتب و سراجیه (سایت)های رسمی موجود است، از طریق فیش‌برداری استخراج شده است. پس از جمع‌آوری مطالب، با توجه به مسئله تحقیق و چارچوب بحث، به صورت تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** بررسی مقررات ایران و آمریکا نشان می‌دهد که دادستان و پلیس وظیفه حفظ امنیت اجتماعی را در تعامل با هم بر عهده دارند؛ در عین حال مقرراتی نیز وجود دارد که الزاماتی برای حفظ حقوق متهم ایجاد کرده است که در تعامل دادستان و پلیس نمود پیدا می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** در هر دو نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا، امنیت اجتماعی و حقوق متهم دو امری است که از یک طرف حفظ آن‌ها لازم است و از طرف دیگر ممکن است رعایت توأمان آن‌ها با هم چالش‌هایی ایجاد کند. تعامل دادستان و پلیس بر توازن میان امنیت اجتماعی و حقوق متهم تأثیرگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** دادستان، نظم و امنیت اجتماعی، حقوق متهم

۱- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): moazenzadegan@gmail.com

۲- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران.

۳- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران.

## مقدمه

مقام دادستان از تأثیرگذارترین مقامات دادگستری در فرایند دادرسی کیفری ایران و آمریکا است. در ایران می‌توان دادستان یا مدعی‌العموم را مقامی دانست که برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران، بر طبق مقررات قانونی انجام‌وظیفه می‌کند. (آخوندی، ۱۳۸۸: ۲۶) در آمریکا نیز دادستان<sup>۱</sup> مقامی رسمی است که نمایندگی یک ایالت یا دولت فدرال را در دعاوی کیفری بر عهده دارد (گارنر،<sup>۲</sup> ۲۰۰۴: ۱۲۸۴). این مقام در آمریکا افراد متهم به جرم را به نام دولت در سطوح مختلف بخش، شهرستان و فدرال تحت تعقیب قرار می‌دهد. با توجه به نظام سیاسی حاکم بر آمریکا که فدرال در سطح کشور و ایالتی در سطح هر ایالت می‌باشد،<sup>۳</sup> دادستان‌ها نیز انواع مختلفی دارند؛ که به دادستان‌های فدرال و ایالتی مشهور هستند. این موارد هرکدام زیرمجموعه‌های خود را دارند که بین آن‌ها تقسیم‌کار شده است. به‌عنوان مثال، دادستانی شهر برحسب تقسیم‌کار، تعقیب جرائم و تجدیدنظرخواهی را در همان شهر انجام می‌دهد (هافمن،<sup>۴</sup> ۲۰۰۰: ۱۵۶).

نیروی پلیس نیز در دو کشور مذکور دارای جایگاه و وظایفی در دادرسی کیفری است. در ایران، اگرچه در اواخر دوران جنگ و روزهای آغازین پس از جنگ فکر ادغام شهربانی و کمیته که هر دو زیر نظر وزارت کشور انجام وظیفه می‌کردند مطرح شد و تا مدتی مسکوت ماند، ولی بعد از مدتی نیروی انتظامی با ادغام شهربانی و کمیته به مرحله عمل در آمد و علاوه بر این، دو نیروی ژاندارمری و پلیس قضایی را نیز در برگرفت (نوری شمیرانی، ۱۳۷۸: ۲۰). به هر ترتیب، قانونی موسوم به «قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» تصویب شد. مطابق ماده ۱ قانون مذکور، مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ وزارت کشور مکلف شد نیروهای انتظامی موجود (شهربانی، کمیته و

۱- Prosecutor

۲ - Brayan Garner

۳- باید توجه داشت که هرکدام از ایالت‌های آمریکا قوانینی مخصوص به خود دارند و از جهاتی نیز تابع دولت فدرال می‌باشند. به همین ترتیب دادستان‌های ایالتی، سلسله مراتبی با دادستان‌های فدرال ندارند.

۴- Dennis Hoffman

ژاندارمری) را حداکثر ظرف مدت یک سال ادغام و سازمانی تحت عنوان «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» تشکیل دهد. در آمریکا در کنار دادگاه‌ها و نهادهای اصلاحی، نهادهای اجرای قانون از دیگر اجزای نظام دادگستری در آمریکا است. این بخش که اصطلاحاً «پلیس» خوانده می‌شود، نهادی حکومتی است که وظیفه حفاظت از امنیت عمومی و پیشگیری و کشف جرائم را بر عهده دارد (گارنر، همان: ۱۱۹۶). پلیس نیز در کشور آمریکا در دو سطح فدرال و ایالتی وجود دارد. اگرچه «پلیس بخش» را نیز می‌توان به آن‌ها افزود، ولی باید توجه داشت که این پلیس نیز زیرمجموعه پلیس ایالتی است. همچنین از لحاظ تخصص در سطح فدرال نهادهای مختلفی وجود دارد از جمله FBI<sup>۱</sup>، ATF<sup>۲</sup>، DEA<sup>۳</sup> و ... (همان: ۷۴-۷۲). در آمریکا بیش از ۱۷۰۰۰ اداره پلیس وجود دارد (ریوز،<sup>۴</sup> ۲۰۰۴: ۱). در این مقاله با توجه به متفاوت بودن قوانین ایالات مختلف و عدم امکان پرداختن به قوانین داخلی هر ایالت به خاطر پرهیز از اطاله کلام، تمرکز بحث روی کارکرد پلیس فدرال است.

با توجه به مبانی تأسیس مقام دادستانی و نیروی پلیس که اهم آن را می‌توان در حفظ امنیت اجتماعی از یک طرف و همچنین حفظ حقوق تک‌تک افراد جامعه از طرف دیگر خلاصه کرد، مسئله مقاله حاضر این است که چگونه دادستان و پلیس در تعامل با هم همزمان هم می‌توانند به حقوق متهم پایبند باشند و هم به وظیفه حفظ امنیت اجتماعی؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان ضمن حفظ امنیت اجتماعی، حقوق متهم را نیز حفظ کرد و آیا دادستان و پلیس در تعامل با یکدیگر می‌توانند حقوق متهم را قربانی حفظ امنیت اجتماعی کنند؟ در صورتی که در عین وظیفه حفظ امنیت اجتماعی، قواعد تضمین‌کننده‌ای برای حفظ حقوق متهم نیز وجود داشته باشد، پاسخ به سؤال فوق منفی است. برای بررسی وظیفه حفظ توازن میان حقوق متهم و امنیت اجتماعی، این دو معیار باهم مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- The Federal Bureau of Investigation

۲-The Bureau of Alcohol, Tobacco, and Firearms

۳-The Drug Enforcement Administration

۴ -Brian Reaves

## پیشینه و مبانی نظری

## پیشینه

پوراابراهیم و یزدان‌شناس (۱۳۹۵)، در نوشتاری با عنوان «سازوکار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» جنبه‌های نظارتی و ریاستی دادستان را بر نیروی پلیس به‌عنوان ضابطان دادگستری، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مورد بررسی قرار داده‌اند. نقش دادستان را واجد جنبه‌های ریاستی و نظارتی دانسته‌اند.

غفاری و عباسی کیهانی (۱۳۸۵)، در نوشتاری با عنوان «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکردی بر اسناد فراملی» حقوق متهم را از جنبه‌های مختلف، با روش اسنادی و به صورتی تطبیقی بین قوانین ایران از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که ازدیاد جرائم و توسعه عناوین مجرمانه منجر به تجاوز به حقوق متهم شده است؛ لذا تعقیب متهم همچنین رعایت کرامت انسانی وی از واجبات دستگاه قضایی است.

اسبقی و اسدی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تعامل پلیس و دادسرا در پیشگیری و مبارزه با جرائم (مطالعه موردی: شهر اردبیل)» با بررسی تعامل میان ۱۴۰ کارمند ناجا و ۳۰ کارمند قضایی به این نتیجه می‌رسند که نیروی انتظامی پتانسیل‌های لازم را جهت تعامل با دادسرا در جهت مبارزه با جرائم و پیشگیری از آن دارد.

کریمی و زارعی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «پلیسی‌گری چند فرهنگی: جلوه‌ای از تقابل رویکردهای امنیت‌گرایانه و حقوق شهروندی» با روش اسنادی از نوع کیفی به این نتیجه رسیدند که رفتار نیروهای پلیس با اقلیت‌های فرهنگی، تبعیض‌آمیز است و این گروه، آماج خشونت‌ها و مداخله‌های پلیسی قرار می‌گیرد. این در حالی است که کثرت‌گرایی فرهنگی، توجه به هنجارهای فرهنگی را در رویه‌های پلیسی توصیه می‌کند.

در این تحقیقات امنیت اجتماعی و حقوق متهم هرکدام به صورت جداگانه مطرح شده و اگر هم در موردی بحث از تعامل دادستان و پلیس مطرح شده است به بحث توازن میان امنیت اجتماعی و حقوق متهم اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین لازم است این دو مقوله نیز در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد.

### مبانی نظری

رویکردهای تعامل دادستان و پلیس را می‌توان در دو مورد کلی خلاصه کرد: یکی تعامل در جهت حفظ امنیت و دیگری تعامل در جهت حفظ حقوق متهم.

**حفظ امنیت اجتماعی:** دادستان و پلیس در ایران و آمریکا وظیفه حفظ امنیت را بر عهده دارند. دادستان و پلیس در زمینه تحقیقات کیفری و تعقیب متهم در راستای اعاده امنیت به جامعه با هم همکاری دارند. دلیل تعامل دادستان و پلیس در حفظ امنیت اجتماعی این است که در هر جامعه انسان‌ها همواره می‌کوشند به طریقی امنیت خود را تأمین کنند. اصولاً امنیت و احساس امنیت در یک جامعه مستلزم همکاری و هماهنگی بین تمام ترجمان (ارگان‌هایی است که در حد و اندازه خویش می‌توانند در تدابیر امنیت ملی یا اجتماعی تأثیرگذار باشند. در این میان، موانع و شرایطی فراروی نیل به اهداف که همان ایجاد یک جامعه ایمن و سالم می‌باشد، وجود دارد که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان عوامل مؤثر در ایجاد جرائم و یا به عبارت دیگر، عامل مؤثر برهم زدن امنیت و سلامت جامعه یاد کرد و می‌بایست برای از میان برداشتن آن‌ها چاره‌اندیشی کرد (روح‌الامینی و امیری، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

بنا به نظری اصطلاح «امنیت اجتماعی» را باری بوزان برای اولین بار در کتاب «مردم؛ دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ به کار برد. امنیت اجتماعی تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بعدی به مقوله امنیت است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی؛ اما تمام ابعاد، از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت دولتی هستند. به عنوان مثال، جامعه تنها یکی از بخش‌هایی است که دولت ممکن است در آن مورد تهدید قرار گیرد. با این حال، وی در کتاب «هویت» چنین بیان می‌دارد که رویکرد ۵ بعدی پیشین بوزان امروزه در بافت امنیت اجتماعی غیرقابل قبول است؛ در نتیجه دست به یک مفهوم‌سازی مجدد از فرضیه پیشین بوزان

زده است. امنیت اجتماعی در اینجا بخشی از امنیت دولتی تلقی می‌شود؛ اما به‌عنوان یک بخش مستقل نیز به آن ارجاع داده می‌شود. درحالی‌که امنیت ملی درگیر و دل‌مشغول تهدیداتی است که متعرض اقتدار دولت می‌شوند، امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند (روی،<sup>۱</sup> ۱۳۸۲: ۶۹۲).

در ایران دادستان مقام تعقیب دعوی عمومی است. همچنین مطابق ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۲</sup> در طیف وسیعی از جرائم دارای عنوان قاضی تحقیق نیز می‌شود. در آمریکا نیز دادستان مقام تعقیب دعوی عمومی است. با توجه به اینکه در آمریکا بازپرس وجود ندارد در این کشور، دادستان دارای وظایف تحقیقی<sup>۳</sup> نیز می‌باشد.

پلیس در ایران در جهت حفظ امنیت اجتماعی نقش اساسی دارد، زیرا ازجمله کارگزاران مهم دادرسی کیفری محسوب می‌شود. در کشور آمریکا نیز پلیس در دادرسی کیفری نقش اساسی دارد و در تحت نظر قرار دادن مظنون یا متهم و جمع‌آوری ادله ایفای نقش می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، در آمریکا پلیس و مقامات دادسرا در حکم اعضای یک گروه محسوب می‌شوند که وظیفه آنان مبارزه با جرم است (نیویور،<sup>۴</sup> ۱۳۸۹: ۲۶۳). در این کشور پلیس و دادستان به یکدیگر متکی هستند؛ زیرا هیچ یک از ادارات دارای قدرت و منابع کافی برای اجرای کل قانون، از تحقیقات تا مجازات کردن مجرم نیستند. افسران پلیس تحقیقات و دستگیری‌ها را انجام می‌دهند، اما آن‌ها نمی‌توانند این پرونده را به‌تنهایی پایان دهند؛ دادستان باید مورد را قبول کند و از مرحله تحقیقاتش به نتیجه برسد. به همین ترتیب، دادستان‌ها ممکن است بر روند رسیدگی قضایی پرونده تأکید داشته باشند، اما آن‌ها نه منابع و نه تخصص برای انجام تحقیقات در مورد جرم و جنایت روزمره ندارند. صرف‌نظر از استقلال رسمی خود، پلیس و دادستان خود را از اعضای وابسته به یکدیگر می‌دانند و با یکدیگر همکاری می‌کنند تا به جرم و جنایت رسیدگی کنند. دادستان برای جمع‌آوری ادله به پلیس تکیه می‌کند (هریس،<sup>۵</sup> ۲۰۱۱: ۲۰۱۱).

۱- Paul Roy

۲- «... در غیر جرائم مستوجب مجازات مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است...».

۳- تحقیقات کیفری در آمریکا عبارت است از فرایندی که طی آن دلایل کشف، جمع‌آوری، مهیا و ارائه می‌شود تا از این طریق تشخیص داده شود که چه اتفاقی افتاده و چه کسی مسئول است. (هس ۳ و اورثمن ۳، ۲۰۱۰: ۶)

۴ - David W. Neubauer

۵ - David Harris

۲). از آنجا که دادستان‌های آمریکایی به پلیس وابسته‌اند که ادله و شواهدی در اختیار آن‌ها قرار دهد که برای یک تعقیب موفقیت‌آمیز برای آن‌ها حیاتی است، با وجود تنش‌هایی که در روابط آن‌ها به وجود می‌آید، دادستان‌ها از اینکه از مأموران پلیس فاصله بگیرند، خودداری می‌کنند (چمرینسکی،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱: ۳۰۵).

**حفظ حقوق متهم:** حقوق متهم از مهم‌ترین مسائل مربوط به آیین دادرسی کیفری در هر کشوری است. با توجه به تأثیرپذیری قوانین دادرسی کیفری در اکثر کشورها از موازین حقوق بشری در عصر حاضر، مفهوم دادرسی عادلانه یا منصفانه در آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. حقوق متهم در زیر چتر یک دادرسی عادلانه حفظ می‌شود. تعامل پلیس با دادستان نیز بر این امر تأثیرگذار است. همان‌طور که بیان شد، در ایران و آمریکا، دادستان در یک دعوی کیفری، در طرف مقابل، متهم قرار می‌گیرد؛ بنابراین در یک طرف دعوی کیفری دادستان به‌عنوان یک صاحب‌منصب بانفوذ و در طرف دیگر متهم. آنچه در بدو امر نمایان است یک نابرابری از لحاظ قدرت اداری و سازمانی وجود دارد. دادرسی منصفانه<sup>۲</sup> شامل این اصل مهم در دادرسی است که هیچ طرفی نباید در دادرسی در برابر طرف دیگر از امتیازی بهره ببرد (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در سیره قضایی حضرت علی (ع) آمده است که آن حضرت خطاب به یکی از قضات فرمودند: «برای کسی که مدعی است غایبی دارد مهلتی تعیین کن، اگر آنان را حاضر کرد حق او را بگیر و اگر آنان را حاضر نکرد، علیه او حکم خواهد شد» (کنگ سفلی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). در این بین، ممکن است حقوق متهم نقض شود، بنابراین باید سازوکاری باشد که در این صورت از متهم حمایت شود.

اگرچه در ایران دادستان وظیفه تعقیب متهم را بر عهده دارد ولی به‌طور همزمان وظیفه حفظ حقوق وی را نیز بر عهده دارد. این امر در حقوق آمریکا نیز صادق است (اکر<sup>۳</sup> و برادی،<sup>۱</sup> ۲۰۰۴: ۴۰۷). بنابراین دادستان همزمان که متهم را در جهت حفظ

۱- Erwin Chemerinsky

۲- به‌عنوان مثال یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه، اصل تساوی سلاح‌ها است. تساوی سلاح‌ها، به معنی برابری امکانات طرفین رسیدگی حقوقی یا کیفری، در دفاع از خود است. اسناد مختلف بین‌المللی از جمله قسمت دوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین قسمت دوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و... به این اصل توجه داشته‌اند. اصل برابری سلاح‌ها که در مفهومی گسترده‌تر به‌عنوان «حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع» مورد استناد قرار می‌گیرد در آیین دادرسی اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۳- James Acker

امنیت جامعه تعقیب می‌کند، مؤلف به حفظ حقوق فردی نیز می‌باشد. در این مورد منظور از حقوق فردی حقوقی است که برای تک‌تک افراد جامعه منظور شده است؛ فارغ از جمع بودن آن‌ها. به‌عنوان مثال، وقتی قانون‌گذار ما قانونی را به نام قانون حفظ حقوق شهروندی تصویب می‌کند، هدفش این است که حقوق تک‌تک افراد جامعه را مورد حمایت قرار دهد که از جمله آن‌ها متهمان و حتی محکومان است. دادستان به‌عنوان مقامی قضایی مؤلف به حمایت از حقوق فردی نیز هست به این علت که وی مقامی است که علاوه بر تعقیب قانونی متهم وظیفه «نظارت بر حسن اجرای قوانین» را نیز بر عهده دارد. این امر در ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری به‌صراحت ذکر شده بود. از جمله این قوانین به نفع متهم نیز هستند؛ بخصوص قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری که در اینجا محل حساسی است برای حفظ حقوق متهم.

این امر از آنچه در قانون اساسی در مورد وظایف قوه قضائیه بیان شده هم قابل برداشت است. بند ۲ اصل ۱۵۶ «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را از جمله وظایف قوه قضائیه بیان داشته و این در حالی است که صدر اصل مذکور بیان داشته قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی است و از جمع بین صدر اصل ۱۵۶ و بند ۲ آن و اصل بیستم این‌طور استنباط می‌شود که در قانون اساسی آنچه حقوق عامه خوانده می‌شود حقوق تک‌تک افراد را نیز در برمی‌گیرد. دادسراها و دادستان‌ها که از زیرمجموعه‌های قوه قضائیه هستند با استنباط از اصل ۱۵۶ پشتیبان حقوق تک‌تک افراد جامعه از جمله متهم هستند. حقوق قضایی از جمله ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت دستگیری و مجازات غیرقانونی، ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل افراد می‌باشد که قوه قضائیه مسئول پشتیبانی از آن می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۲).

اگرچه دادسرا با ریاست دادستان مسئول حفظ حقوق عمومی است اما به نظر می‌رسد لفظ عام در این مورد عام استغراقی است نه عام مجموعی؛ به‌عبارت‌دیگر، حقوق عامه جامع بین حقوق عمومی و حقوق فردی است و کلیه حقوق فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد (نقره‌کار، ۱۳۸۸: ۲۲) و «در نظام جمهوری اسلامی ایران افراد باید از حقوق



گوناگون فردی برخوردار باشند» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۲۲). بنابراین از وظیفه حمایت از حقوق فردی دادستان استنباط می‌شود که این مقام می‌بایست حقوق متهم و علی‌الخصوص دلایل به نفع متهم را نیز مورد توجه قرار دهد و آن را در جریان دادرسی کیفری دخالت دهد.

گذشته از مطالب فوق‌الذکر، از آنجاکه در ایران شرع نیز یکی از منابع قانون‌گذاری است، برای اثبات مطلب پیش‌گفته نیز می‌توان به قواعد شرعی نیز تمسک جست. می‌توان بی‌توجهی مقام قضایی نسبت به حقوق متهم را نوعی ظلم در حق آنان دانست. حسن عدالت و قبح ظلم از مواردی است که در اسلام تأکید فراوانی بر آن شده به طوری که حدود ۲۵۰ آیه در قرآن در قبح ظلم آمده و در سخنان امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه بیش از ۵۰ بار به اشکال مختلف به قبح ظلم اشاره شده است (ماندگار، ۱۳۸۱: ۱۰۹).

اگرچه در قرآن و سنت در مورد دادستان آیه یا روایتی نیست ولی راجع به رعایت عدالت در مورد طرف متخاصم و قضاوت عادلانه صحبت شده است؛ از جمله در آیه (۲) سوره مائده آمده است: «دشمنی و کینه کسانی که مانع از ورود شما به مسجدالحرام گردیده‌اند شما را به تعدی و ظلم متقابل وادار نکند». در آیه (۸) سوره مائده نیز آمده است: «و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید».

مستفاد از این دو آیه دادستان که وظیفه اقامه دعوی عمومی علیه متهم را دارد، می‌بایست عدالت را در مورد او به اجرا درآورد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: و اما حق طرفی که بر تو ادعایی دارد این است که اگر درست می‌گوید، دلیل او را نقض نکنی و ادعای او را ابطال ننمایی و با خودت طرف شوی و به نفع او علیه خودت حکم کنی و ...» (مشایخی، ۱۳۸۳: ۴۵۹).

مستفاد از این سخن امام سجاد و نیز جایگاه اصل مساوات در امر قضا که مورد تأکید دین اسلام است، (همان: ۴۶۴) می‌بایست دادستان حقوق متهم را نیز به‌عنوان جزئی از جامعه مورد حمایت قرار دهد (ضرغامی، ۱۳۹۵: ۲۶).

آنچه در مورد لزوم تعهد به اجرای عدالت در بالا ذکر شد، در مورد پلیس به‌عنوان ضابط قضایی نیز صادق است؛ زیرا ضابط دادگستری نیز جزئی از نظام عدالت کیفری است.



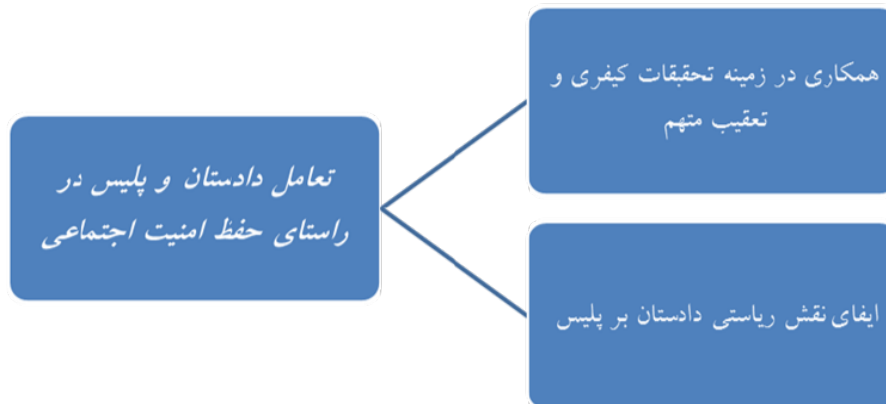
## روش‌شناسی

با توجه به لزوم بررسی منابع لازم‌الاجرای قانونی در ایران و آمریکا، جهت بررسی موضوع روش اسنادی و به‌صورت کیفی به کار گرفته شده است. مطالب مرتبط از طریق بررسی کتب فارسی و انگلیسی مربوط به آیین دادرسی کیفری ایران و آمریکا و قوانین مربوط به نقش و جایگاه دادستان و پلیس در ایران و آمریکا از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ و قوانین قبل از آن و مجموعه قوانین فدرال آمریکا همچنین بررسی آرای قضایی مرتبط با بحث که در کتب و سراجیه (سایت)های رسمی موجود است، از طریق فیش‌برداری استخراج شده است. پس از جمع‌آوری مطالب، با توجه به مسئله تحقیق و چارچوب بحث، رویکردهای تعامل دادستان و پلیس به‌صورت تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته است.

## یافته‌های پژوهش

بررسی متون لازم‌الاجرای حقوق ایران و آمریکا نشان می‌دهد که دادستان و پلیس در ایران و آمریکا وظیفه حفظ امنیت اجتماعی را در تعامل با هم بر عهده دارند، ولی مقرراتی نیز وجود دارد که از لحاظ قانونی الزاماتی برای حفظ حقوق متهم ایجاد کرده است که در تعامل دادستان و پلیس نمود پیدا می‌کند.

دادستان و پلیس در راستای حفظ امنیت اجتماعی از یک طرف در زمینه تحقیقات مقدماتی و تعقیب متهم باهم همکاری می‌کنند و از طرف دیگر، دادستان در جهت حفظ امنیت اجتماعی دارای نقش راستی بر پلیس است.



شکل ۱: نحوه تعامل دادستان و پلیس در راستای حفظ امنیت اجتماعی

از یک طرف می‌توان گفت در ایران هسته وظیفه دادستان این است که از منافع جامعه در مقابل جرم و بی‌نظمی دفاع کند. وی در این راستا وظیفه تعقیب دعوای عمومی را بر عهده دارد که علیه متهم به جرم آن را به راه می‌اندازد و به‌عنوان طرف دعوای عمومی مطرح است. این امر در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup> به‌مانند ایران، در آمریکا نیز دادستان متهم را به نمایندگی از طرف جامعه مورد تعقیب قرار می‌دهد. پلیس نیز وظیفه برقراری امنیت اجتماعی را بر عهده دارد.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر نیز تعامل دادستان و پلیس در راستای حفظ امنیت به شکل ریاست دادستان بر پلیس نمود پیدا می‌کند. در نظام حقوقی ایران دادستان دارای نقش ریاستی بر پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری است؛ بنابراین می‌تواند در جهت حفظ امنیت

۱- مطابق این ماده: «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی یا شاکای یا مدعی خصوصی است». مطابق بند الف ماده ۹ قانون فوق‌الذکر، «دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی» می‌باشد.

۲- ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را، «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران» عنوان کرده است.

همچنین مطابق بند ۱ از ماده ۴ قانون مذکور، یکی از مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از «استقرار امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی».

اجتماعی به وی امرونهی کند. همچنان که ماده ۳۵<sup>۱</sup> قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را مکلف کرده است که دستورات را در اسرع وقت اجرا کنند. با توجه به اینکه بنا بر این است که دادستان و ضابط دادگستری وظیفه قانونی خود را در ارتباط با پرونده کیفری انجام دهند، دستورات نیز باید در حدود وظایف هر دو مقام باشد. وظیفه دادستان علی‌الاصول تعقیب دعوی کیفری علیه متهم است، اگرچه قانون‌گذار ما وظیفه تحقیقی نیز برای دادستان قائل شده است.<sup>۲</sup> بنابراین دستوراتی که از طرف دادستان به ضابط<sup>۳</sup> داده می‌شود اصولاً در راستای تعقیب و در مواردی نیز در راستای تحقیق کیفری است.

آنچه در مورد ریاست دادستان بر پلیس در ایران ذکر شد، در کشور آمریکا صدق نمی‌کند. در کشور آمریکا نهاد پلیس اصولاً نهادی مستقل نسبت به نهاد دادستانی است؛ زیرا در کشور ایالات‌متحده آمریکا دادستان‌های، ایالتی یا فدرال کنترل مستقیمی روی نهادهای اجرای قانون از جمله پلیس ندارند؛ بنابراین دادستان و پلیس نسبت به هم مستقل هستند و حتی در جایی که پلیس تحقیقات جنایی انجام می‌دهد دادستان ریاستی بر پلیس ندارد (کاستبرگ،<sup>۴</sup> ۲۰۰۳: ۱۳۲).

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در نظام حقوقی ایران و آمریکا مقرراتی وجود دارد که تعامل دادستان و پلیس را همزمان با وظیفه حفظ نظم و امنیت به سمت حفظ حقوق متهم نیز سوق می‌دهد. این امر در دو مورد نمود پیدا می‌کند: نظارت<sup>۵</sup> دادستان بر پلیس در جهت تضمین حقوق متهم و همچنین پاسخ به سوء رفتار پلیسی توسط دادستان.

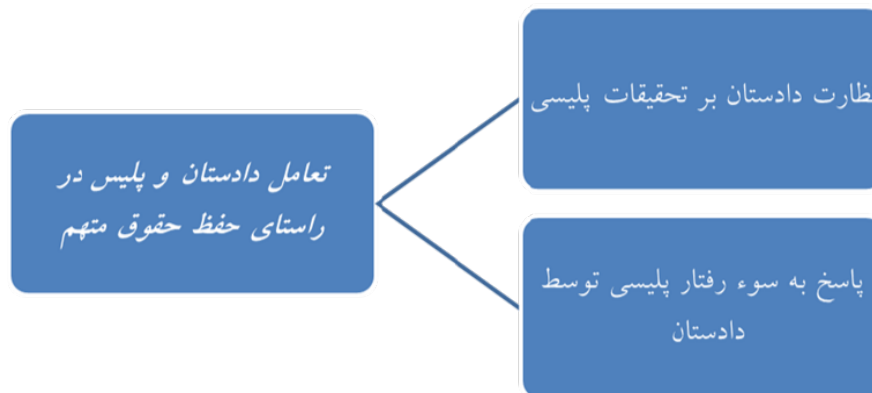
۱- ماده ۳۵: ضابطان دادگستری مکلفاند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضائی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

۲- ر. ک ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳- وظایف پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است. مطابق این ماده: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به‌موجب قانون اقدام می‌کنند». بنابراین دستورات باید در حوزه یکی از موارد مذکور باشد.

۴- Anthony Castberg

۵- قانون‌گذار ایران در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از دو واژه «ریاست» و «نظارت» در کنار هم استفاده کرده است. ریاست دارای معنای متفاوتی با نظارت می‌باشد. با توجه به ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری که از واژه «دستور» استفاده کرده است به نظر می‌رسد قانون‌گذار ما تعمداً هر دو واژه ریاست و نظارت را آورده است.



شکل ۲: تعامل دادستان و پلیس در راستای حفظ حقوق متهم

در ایران دادستان به عنوان یک مقام قضایی و همچنین مدعی العموم دارای وظایف و اختیارات گسترده‌ای است. تعدادی از آن‌ها مربوط به امور کیفری اعم از تحقیقات مقدماتی از متهم شامل تعقیب، تحقیق، صدور قرارهای اعدادی و نهایی، صدور کیفرخواست و غیره می‌باشد و برخی از آن‌ها در ارتباط با امور نظارتی و مسئولیت‌های اداری می‌شود (پوراابراهیم و یزدان‌شناس، ۱۳۹۵: ۶۷).

یکی از وظایفی که برای دادستان نسبت به ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی پیش‌بینی شده است، نظارت بر ضابطان دادگستری است. نظارت بر ضابطان دادگستری از طرف دادستان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. جلوه‌های این نظارت را می‌توان در تبصره یک ماده ۳۰ و ماده ۳۳ قانون فوق‌الذکر ملاحظه کرد. به عبارت دیگر، مطابق تبصره ۱ فوق‌الذکر دادستان ضابطان را برای اجرای قانون آموزش می‌دهد و مطابق ماده ۳۳ برای حسن اجرای قانون واحدهای مربوط به ضابطان را مورد بازرسی قرار می‌دهد.

در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۰ فوق‌الذکر آیین‌نامه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ تصویب شده است و ماده ۵ این آیین‌نامه به بحث آموزش ضابطین دادگستری از طرف نهاد

۱- تبصره ۱- دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

۲- دادستان به‌منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستوره‌های لازم را صادر می‌کند.

دادستانی پرداخته است. برخی از بندهای این ماده به‌وضوح در مورد رعایت حقوق متهم می‌باشد. از جمله آن می‌توان به بند ۵ آن اشاره کرد. مطابق این بند قوه قضائیه مؤظف است «آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص» را برای ضابطان دادگستری برگزار کند. البته جا داشت توجه به حقوق متهم در این آیین‌نامه بندهای بیشتری را به خود اختصاص می‌داد.

در آمریکا ارتباطات پلیس با داستان یک ارتباط دوطرفه است؛ از یک طرف پلیس تحقیقات جنایی را برای دادستان انجام می‌دهد و از طرف دیگر، دادستان به‌عنوان ناظر و مشاور قانونی پلیس عمل می‌کند.

اصل ۷۲-۳- کانون وکلای آمریکا نیز در این زمینه مقرر می‌دارد:

«دادستان‌ها می‌بایست نسبت به نیروهای پلیس توصیه‌های قانونی<sup>۱</sup> که وظایف و عملکرد آن‌ها در امور کیفری شامل می‌شود را اعمال کنند». نیروهای پلیس مؤظف هستند که این توصیه‌ها را عملی کنند اگرچه با آن‌ها موافق نباشند (هس و اورثمن، همان: ۶۴۷). این توصیه‌ها شیوه اجرای قانون را در مورد پلیس نشان می‌دهد علی‌الاصول الزام به اجرای قانون است نه دستور برای جمع‌آوری ادله خاص؛ بنابراین در آمریکا برای دادستان بیشتر نقشی نظارتی بر پلیس وجود دارد.

از طرف دیگر، هرگاه سوء رفتاری در جهت نقض حقوق متهم از سوی پلیس صورت گرفت، دادستان مؤظف به پیگیری آن است. ممکن است در جریان کشف جرم یا تحقیق کیفری تعرضی به حقوق متهم از طرف پلیس صورت بگیرد به‌عنوان مثال، ممکن است متهم توسط پلیس شکنجه شود یا به‌صورت غیرقانونی بازداشت شود. اگرچه دادستان طرف دعوای کیفری است و به نام جامعه متهم را تحت تعقیب قرار می‌دهد، ولی از آنجاکه نخست، متهم نیز جزئی از جامعه است و دوم اینکه، دادستان مأمور پیگیری جرائم است، به‌عنوان مقام ناظر قانون می‌بایست در این موارد مداخله کند. این قاعده در هر دو کشور ایران و آمریکا وجود دارد؛ اگرچه شیوه اجرای آن در این دو کشور متفاوت است.

<sup>۱</sup>-legal advice

در نظام دادرسی کیفری ایران دادستان مأمور تعقیب جرائم عمومی است. این امر در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲<sup>۱</sup> به صراحت ذکر شده است. در برخی مواد از قانون مجازات اسلامی جرائمی ذکر شده است که ممکن است از طرف پلیس (ضابط دادگستری) علیه متهم به وقوع بپیوندد. به عنوان مثال، در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات سلب آزادی شخصی و حقوق اساسی افراد جرم انگاری شده است؛ یا مثلاً در ماده ۵۷۸ از قانون فوق‌الذکر اخذ اقرار گرفتن با اذیت و آزار جرم انگاری شده است. مصادیق دیگری نیز در فصل دهم از کتاب تعزیرات وجود دارد که ممکن است از طرف ضابطین دادگستری علیه متهم صورت بگیرد. هیچ‌کدام از این جرائم در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی به عنوان جرم قابل گذشت ذکر نشده است؛ بنابراین دادستان مؤظف است همه این جرائم را علیه مرتکب که ممکن است ضابط دادگستری باشد تحت تعقیب قرار دهد.

دادستان‌ها در آمریکا در دو حالت به جرائمی که از طرف پلیس نسبت به متهم صورت می‌گیرد پاسخ می‌دهند: حالت اول، نقض حقوق اساسی متهم توسط پلیس است. ممکن است مرتکب این نقض حقوق، پلیس ایالتی یا پلیس فدرال باشد. اگرچه دادستان‌های فدرال به شکل روشنی صلاحیت رسیدگی برای تحت تعقیب قرار دادن پلیس‌های ایالتی را ندارند؛ زیرا معتقدند که مقامات ایالتی باید این وظیفه را انجام دهند، مگر آنکه ادله نشان دهد که قانونی فدرال نقض شده است و اینکه حقوق اساسی فرد که از قانون اساسی آمریکا مستنبت می‌شود نقض شده است (هریس، همان: ۹). در ماده ۲۴۲ از فصل ۱۸ از مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به دولت اجازه داده است که افرادی را که تحت یک قدرت رسمی حقوق اساسی فردی از ملت را نقض می‌کنند تعقیب کند.<sup>۲</sup>

مشکل اساسی در این مورد این است که می‌بایست این امر ثابت شود که پلیس عامدانه متهم را حقوق اساسی خود محروم کرده است. به عبارت دیگر، این امر باید ثابت شود که پلیس به قصد محروم کردن متهم از حقوق اساسی مرتکب جرم شده است.

۱ - ماده ۱۱: تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکای یا مدعی خصوصی است.

۲-۱۸ U.S.C. § ۲۴۲



ممکن است در عمل اثبات این امر با مشکل اساسی روبرو شود. نمونه این امر در رأی دیوان عالی آمریکا مشهود است. در پرونده اسکرو علیه ایالات متحده<sup>۱</sup> که در آن ۳ پلیس متهمی را مورد ضرب و شتم قرار دادند که منجر به مرگ وی شد، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا رأی داد که محکوم کردن متهم تحت ماده ۲۴۲ (که در قبل به آن اشاره شد) نیازمند قصد مجرم برای محروم کردن متهم از حقوق اساسی است و یک قصد تنها برای قتل کافی نیست (همان: ۱۰).

حالت دوم، پاسخ به جرائم پلیس تحت قانون «Pattern or Practice» است. در سال ۱۹۹۴ کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن وزارت دادگستری این وظیفه را دارد که هر نوع سوءرفتار پلیسی را مورد پیگرد قرار دهد.<sup>۲</sup> این تلاش، اقدامی فوق‌العاده و بی‌سابقه‌ای توسط وزارت دادگستری با هدف کاهش سوءرفتارهای پلیس سامانمند، از جمله الگوهای تبعیض نژادی و قومی بوده است (واکر،<sup>۳</sup> ۲۰۱۷: ۲).

مورد دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد، ماده ۱۹۸۳ مجموعه قوانین فدرال ایالات متحده آمریکا است<sup>۴</sup> که طی آن امکان اقامه دعوا در مورد ضایع شدن هر حقی در برابر حکومت آمریکا قابل پیگیری است.

مثالی از نقض حقوق متهم توسط پلیس می‌تواند بازداشت غیرقانونی باشد. به‌عنوان مثال، در پرونده هراندز - کوواس علیه تیلور<sup>۵</sup> دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا رأی داده است که فردی که بدون علت محتمل بازداشت شده است محق است برای اقامه دعوا؛ زیرا در این مورد متمم چهارم قانون اساسی<sup>۶</sup> در مورد وی نقض شده است. در این پرونده هم به‌قاعده بایونز و هم به قانون ۱۹۸۳ اشاره شده است.

۱-Screws v. United States, ۱۹۴۵

۲-“pattern or practice” law, ۴۲ U.S.C. § ۱۴۱۴۱

۳-Samuel Walker

۴ - ۴۲ U.S. Code § ۱۹۸۳ - Civil action for deprivation of rights

۵- Hernandez-Cuevas v. Taylor, #۱۲-۱۰۵۳, ۷۲۳ F.۳d ۹۱ (1st Cir. ۲۰۱۳)

۶- حق امنیت جان، مسکن، اوراق و مصونیت دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیرموجه تضمین می‌شود و هیچ‌گونه حکم بازداشت اشخاص یا توقیف اموال صادر نمی‌شود، مگر بر پایه یک دلیل محتمل با سوگند یا اعلام رسمی و محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شود دقیقاً باید مشخص شود.



قاعده بایونز<sup>۱</sup> اصولاً از رأی دیوان عالی آمریکا در دعوی بایونز علیه شش نهاد ناشناخته<sup>۲</sup> استخراج شده است و در آن به امکان ادعا علیه مأمور فدرالی که حقوق مصرحه در متمم چهارم قانون اساسی آمریکا را نقض کرده، اشاره شده است.

در ایران تعامل دادستان و پلیس ممکن است حتی باعث نقض حقوق متهم نیز بشود؛ زیرا نقض حقوق متهم توسط پلیس ممکن است با دستور مقامات قضایی حتی مقام تعقیب صورت پذیرد. این امر نیز اصولاً نمی‌تواند باعث عدم تعقیب کیفری پلیس و مقام دستوردهنده گردد؛ زیرا به موجب ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی<sup>۳</sup> امر آمر قانونی اصولاً جوازی برای ارتکاب جرم نیست. در این مورد دادگاه عالی انتظامی قضات در دادنامه شماره ۴ مورخ ۱۳۶۷/۲/۱۰ حکم داده: «... دادستان دادسرای انقلاب اسلامی در خروج از بی طرفی و دستور شفاهی دستگیری متهم و نگهداری وی در بازداشتگاه بدون صدور و اخذ تأمین ... مرتکب تخلف شده است» (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

همان طور که ملاحظه می‌شود، در هر دو کشور ایران و آمریکا دادستان مؤظف است در حدودی که ذکر شد، جهت رعایت حقوق متهم پلیسی را که جرمی علیه متهم انجام داده مورد تعقیب قرار دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

به صورت کلی دو رویکرد اصلی در مبارزه با پدیده جرم وجود دارد: رویکرد امنیت‌مدار که بیشتر موافق حفظ امنیت اجتماعی است،<sup>۴</sup> و رویکردی که به حقوق متهم اهمیت زیادی می‌دهد.<sup>۵</sup> پذیرش هر کدام از رویکردهای فوق بر عملکرد متصدیان نظام عدالت کیفری و تعامل آن‌ها با یکدیگر نیز سازگار است. از جمله این تعاملات می‌توان به تعامل میان دادستان و پلیس اشاره کرد؛ بنابراین اگر رویکرد امنیت‌مدار بر مقررات کشوری حاکم باشد، تعامل دادستان و پلیس بیشتر در جهت حفظ امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد

۱- Bivenz

۲- Bivens v. Six Unknown Named Agents ۴۰۶ F.2d ۱۳۳۹ (۱۹۷۲)

۳- ماده ۱۵۹: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.»

۴- رویکردی که اصولاً به «کنترل جرم» مشهور است.

۵- رویکردی که اصولاً به «دادرسی منصفانه» مشهور است.

و اگر در جهت حفظ حقوق متهم باشد به مقوله دادرسی منصفانه اهمیت بیشتری داده می‌شود. به صورت کلی، اگرچه حفظ امنیت همواره یکی از دغدغه‌های نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع بشری بوده است ولی رعایت حقوق متهم نیز به موازات حفظ امنیت اجتماعی به خصوص در دوره معاصر مورد توجه جوامع بشری قرار گرفته است. یک رویکرد متعادل بیانگر این است که هرکدام از مقوله‌های امنیت اجتماعی و حقوق متهم در جای خود مورد احترام و توجه واقع شوند و به یکی نسبت به دیگری به صورت غیرمنطقی برتری داده نشود. به عنوان مثال، نمی‌توان برای کشف جرمی متهم را مورد شکنجه قرار داد یا دسترسی به وکیل را از وی سلب کرد. در دو کشور ایران و آمریکا دادستان و پلیس در جریان دادرسی کیفری تعاملاتی با هم دارند. این تعاملات از یک طرف در جهت حفظ امنیت اجتماعی و از طرف دیگر، در جهت رعایت حقوق متهم صورت می‌پذیرد. از جهت حفظ امنیت اجتماعی، دادستان و پلیس در ایران و آمریکا برای تحقیق از متهم در جهت تعقیب وی با هم همکاری می‌کنند. این همکاری در زمینه بازجویی از متهم، کشف آلات جرم و غیره صورت می‌پذیرد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه دادستان مقام تعقیب دعوی عمومی است و بر نیروهای پلیس به عنوان ضابط دادگستری، ریاست دارد، این نقش ریاستی در ایران مشهود است، در حالی که در آمریکا نیروهای پلیس نسبت به دادستان از استقلال بیشتری برخوردارند؛ بنابراین در آن کشور نمی‌توان برای دادستان نسبت به پلیس نقش ریاستی به مانند آنچه در ایران وجود دارد قائل شد. همچنین تعاملات دادستان و پلیس باید در جهت حفظ حقوق متهم نیز باشد. در این راستا، دادستان به عنوان ناظر اجرای قانون بر کارکرد پلیس نظارت دارد، بنابراین اگر پلیس نسبت به متهم جرمی صورت انجام دهد، دادستان موظف به تعقیب پلیس مجرم است. قواعد تکمیل‌کننده‌ای که در حقوق آمریکا در زمینه حفظ حقوق متهم وجود دارد نشان می‌دهد در این کشور، مقوله حفظ حقوق متهم در تعامل میان دادستان و پلیس، نسبت به ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

برای رعایت هرچه بیشتر توازن میان امنیت اجتماعی و حقوق متهم در جریان تعاملات دادستان و پلیس می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- تفصیل بیشتر قوانین مربوط به نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری نسبت به وضعیت تقنینی موجود که در مواد ۳۰ و آیین‌نامه اجرایی آن و نیز ماده ۳۱ در جهت نظارت بیشتر بر عملکرد ضابطان دادگستری.
- می‌توان از مفاد مقررات مناسبی که در حقوق دیگر کشور از جمله آمریکا در مورد پاسخ به سوءرفتار پلیسی توسط دادستان وجود دارد، مثل قانون «pattern or practice» در حد امکان در مقررات مصوبه در ایران نیز استفاده کرد.

## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸). «آیین دادرسی کیفری». چاپ دوم، (جلد ۶)، تهران: انتشارات سمت.
- اسبقی، حسین؛ اسدی، حبیب (۱۳۹۴) «تعامل پلیس و دادسرا در پیشگیری و مبارزه با جرائم (مورد مطالعه: شهر اردبیل)». فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی اردبیل، دوره دوم، شماره هفتم.
- پورابراهیم، احمد؛ یزدان‌شناس، سمیرا (۱۳۹۵). «سازوکار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». فصلنامه کارآگاه، سال نهم، شماره سی وهفتم.
- روح‌الامینی، محمود؛ امیری، سارا (۱۳۹۵). «بررسی اصول تئوری نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم». فصلنامه مطالعات حقوق، شماره هفتم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۶۵-۱۷۶
- روی، پل (۱۳۸۲). «معمای امنیت اجتماعی». (ترجمه منیژه نوید نیا)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم.
- ضرغامی، سیروس (۱۳۹۵). «نقش دادستان در ارتباط با ادله در دادرسی کیفری، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا». تهران، انتشارات مجد.
- غفاری، هدا؛ عباسی کیهانی، عاطفه (۱۳۸۵). «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکردی بر اسناد فراملی». مجله ندای صادق.
- کریمی، عباس؛ زارعی، محمد (۱۳۹۴). «پلیسی‌گری چند فرهنگی: جلوه‌ای از تقابل رویکردهای امنیت‌گرایانه و حقوق شهروندی». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال هشتم، شماره چهارم (پیاپی سی و دوم).
- ماندگار، محمدمهدی (۱۳۸۱). «خط‌مشی‌های سیاسی نهج‌البلاغه». قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مشایخی، قدرت‌الهی (۱۳۸۳). «حقوق از دیدگاه امام سجاد». قم: انتشارات انصاریان.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷). «رویه قضایی ایران در ارتباط با وظایف شغل دادستان». تهران: انتشارات جنگل.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹). «دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری». تهران: انتشارات شهر دانش.
- نوری شمیرانی، کسری (۱۳۷۸). «آسیب‌شناسی نیروی انتظامی ایران». مجله گزارش، شماره یکصد و چهارم.

- نیویورک، دیوید (۱۳۸۹). «نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا». (ترجمه حمیدرضا قراگزلو)، تهران: انتشارات مجد.
- نقره‌کار، محمد صالح (۱۳۸۸). «نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه». تهران: انتشارات جنگل.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۸). «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران». (جلد اول)، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹). «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران». (جلد دوم)، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر میزان.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.
- Acker James and David Brody. (۲۰۰۴). Criminal Procedure, Second Edition, Jones and Berlet Publisher
- Garner, Brayon (Editor in Chief). (۲۰۰۴). Black's Law Dictionary, Thomson Publishing
- Hess, Karen and Christine Hess Orthman (۲۰۱۰). Criminal Investigation, Delmar Publishing, Clifton Park U.S
- David A. Harris (۲۰۱۱). The Interaction and Relationship Between Prosecutors and Police Officers in the U.S., and How This Affects Police Reform Efforts, Legal Studies Research Paper Series, Working Paper No. ۲۰۱۱-۱۹
- Erwin Chemerinsky (۲۰۱۱). The Role of Prosecutors in Dealing with Police Abuse: The Lessons of Los Angeles, Virginia Journal of Social Policy & the Law ۸
- Anthony D. Castberg (۲۰۰۳). The Effective Administration Of Police And Prosecution In The United States, UNAFEI Annual Report for ۲۰۰۱ and Resource Material Series No. ۶۰,
- Hoffman, Dennis (۲۰۰۰). Criminal Justice, IDG books word wide
- Brian D. Reaves (۲۰۰۷). Census of State and Local Law Enforcement Agencies, ۲۰۰۴, Bureau of Justice Statistics Bulletin, <http://bjs.ojp.usdoj.gov/content/pub/pdf/cslea04.pdf>.
- Walker, Samuel (۲۰۱۷). »Twenty Years of DOJ "PATTERN OR PRACTICE" Investigations of Local Police: Achievements, Limitations, and Questions«, University of Nebraska at Omaha, February ۲۰۱۷, available at: [samuelwalker.net/wp-content/uploads/.../DOJ-PP-Program-Feb17.pdf](http://samuelwalker.net/wp-content/uploads/.../DOJ-PP-Program-Feb17.pdf)
- <http://www.babafars.ir/fa/paygahe-ghavanin-iran/majmooe-maghalate/jazai-maghalat/449-tasawi.html>
- United States Codes, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text>



- ABA Standards, available at: [www.americanbar.org](http://www.americanbar.org).







This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.  
This page will not be added after purchasing Win2PDF.